

نقل است آن شب که رابعه، (رابعه عدویّه از زنان عارف، پرهیزگار و بزرگ قرن دوم هجری)، در وجود آمد در خانه‌ی پدرش، چندان جامه نبود که او را در آن بپيچند و چراغ نبود.

معنی: گفته‌اند شبی که رابعه (رابعه‌ی عدویّه از زنان خدانشناس، پارسا و بزرگ قرن دوم هجری) به دنیا آمد، در خانه‌ی پدر او، آن مقدار لباس نبود که رابعه را در آن قرار دهند و چراغی هم در خانه وجود نداشت.

معنی کلمات:

نقل الست: گفته‌اند / رابعه: در لغت به معنی چهارم در این جا اسم زن عارف مشهور قرن دوم هجری است / عارف: خدانشناس / پرهیزگار: پارسا / چندان: آن اندازه / جامه: لباس

پدر او را سه دختر بود. رابعه چهارم بود. از آن، رابعه گویند، پس عیال با او گفت: به فلان همسایه رو و چراغی روغن بخواه.

معنی: پدر او سه دختر داشت و رابعه، چهارمین دختر بود.

به این علّت، به او رابعه می‌گویند؛ همسرش به او گفت: به خانه‌ی فلان همسایه برو و روغن به اندازه یک چراغ بگیر.

معنی کلمات: از آن: به این علّت / عیال: همسر، خانواده / فلان: اشاره به یک شخص یا یک چیز نامعلوم و مبهم.

نکته دستوری:

(را) در پدر او را، مفهوم مالکیت می‌دهد و در فعل تغییر معنی ایجاد می‌کند

پدر رابعه عهد کرده بود که از مخلوق هیچ نخواهد. برخاست و به در خانه‌ی آن همسایه، رفت و باز آمد و گفت: خفته‌اند. پس دل تنگ، بغفت و پیغمبر (علیه‌السلام) را، به خواب دید. گفت: غمگین مباش، که این دختر، سیّده ای است که هفتاد هزار از امت من در شفاعت او خواهند بود.

معنی: پدر رابعه، با خود عهد کرده بود که از انسان‌ها، چیزی نخواهد بلند شد و به خانه‌ی آن همسایه رفت و برگشت و گفت: خوابیده‌اند. بنابراین ناراحت شد و خوابید و پیغمبر را که درود و رحمت خدا بر او باد در خواب دید. گفت: ناراحت نباش، زیرا این دختر (رابعه)، بزرگی است که هفتاد هزار نفر از امت من با میانجی‌گری و خواهش او، مورد عفو الهی قرار خواهند گرفت.

(گناهان هفتاد هزار امت من به خاطر در خواست و خواهش رابعه از بین می‌رود).

معنی کلمات: عهد: پیمان / مخلوق: بندگان خدا، آفریده / دل تنگ: ناراحت / بغفت: خوابید / علیه‌السلام: درود و رحمت خدا بر او باد / سیّده: سرور، بزرگ / امت: پیروان یک دین و پیغمبر / شفاعت: خواهش‌گری

نکته دستوری:

عهد کرده بود: ماضی بعید / برخاست: ماضی ساده / پیشوندی / خفته‌اند: ماضی نقلی / بغفت: ماضی ساده / خواهند بود: مستقبل (آینده)

چون رابعه، بزرگ شد، پدر و مادرش بمردند و در بصره قحطی عظیم پیدا شد و خواهران متفرّق شدند و رابعه به دست ظالمی افتاد. او را به چند درم بفروخت. آن خواجه او را به رنج و مشقّت، کار می‌فرمود. روزی بیفتاد و دستش بشکست. روی بر خاک نهاد و گفت: الهی! غریبم و بی مادر و پدر و اسیرم و دست شکسته.

معنی: وقتی رابعه بزرگ شد، پدر و مادرش فوت کردند و در شهر بصره خشک سالی شدیدی آشکار شد و خواهران او پراکنده شدند و رابعه به دست انسان ستمگری گرفتار شد. رابعه را با گرفتن چند سکه‌ی نقره، فروخت. صاحب رابعه، او را وادار می‌کرد که کارهای سخت و دشواری را انجام دهد. روزی رابعه به زمین خورد و دستش شکست. صورتش را بر خاک قرار داد و با خدا راز و نیاز می‌کرد و می‌گفت: پروردگارا من تنها و بدون مادر و پدر هستم و دست صاحب گرفتار و ناراحت و آزرده هستم.

معنی کلمات: قحطی: خشک سالی / متفرّق: پراکنده / درم: سکه‌ی نقره، درهم / خواجه: سرور، صاحب / مشقّت: سختی، دشواری / غریب: بیگانه، نا آشنا

مرا از این همه ، هیچ غم نیست ، آلا رضای تو می‌باید تا بدانم که راضی هستی یا نه ؟
آوازی شنید که (غم مخور ، فردا جاهیت خواهد بود چنان که مقربان آسمان به تو نازند).

معنی : من به خاطر این همه رنج و سختی ، ناراحت و غمگین نیستم ،

مگر خشنودی و رضایت تو لازم است تا این که بدانم از من راضی و خشنود هستی یا نه ؟

شنید که ناراحت نباش ، در آینده آن چنان مقام و عظمتی به دست می‌آوری که نزدیکان خدا و فرشتگان به تو افتخار بکنند.

معنی کلمات : آلا : مگر ، به جز / رضا : خشنودی / تو : خدا / جاه : مقام ، شکوه / مقربان : نزدیک شدگان ، کسی که منزلت پیدا کرده باشد.
نکته دستوری :

(ت) در جاهیت ، نقش متمم دارد: جاه برای تو خواهد بود

پس رابعه به خانه رفت و دایم روزه داشتی و همه شب نماز کردی و تا روز بر پا بودی.

شبی خواجه از خواب در آمد . آوازی شنید . نگاه کرد ، رابعه را دید در سجده ،

معنی : پس رابعه به خانه رفت و همیشه روزه دار بود و هر شب تا صبح مشغول عبادت بود . یک شب خواجه از خواب بیدار شد .

صدایی شنید . نگاه کرد ، رابعه را دید که در سجده است.

معنی کلمات : دایم : همیشه / همه شب : تمام شب / تا روز بر پای بود : تا صبح مشغول عبادت بود / از خواب در آمد : بیدار شد.

نکته دستوری: داشتی ، کردی و بودی : ماضی استمراری ساخت قدیم

می‌گفت : الهی تو می‌دانی که هوای دل من در موافقت فرمان توست و روشنایی چشم من در خدمت درگاه تو . اگر کار به دست من

استی ، یک ساعت از خدمتت نیاسودمی . اما تو مرا زیر دست مخلوق کرده ای . به خدمت تو ، از آن ، دیر می‌آیم.

معنی : می‌گفت : پروردگارا : تو آگاهی که من علاقه‌ی قلبی‌ام این است که از فرمان و دستور تو پیروی کنم و خدمت کردن از تو برای من مثل نور چشم عزیز است. اگر اختیار کارها در دست من بود ، لحظه‌ای از فرمان برداری و اطاعت از تو ، غفلت و خودداری نمی‌کردم.

اما تو مرا زیر دست آفریده خود قرار دادی . به این علت ، دیر به عبادت تو می‌آیم.

معنی کلمات : هوای : میل / موافقت : همراهی ، سازگار / استی : می‌بود ، باشد / از آن : به این علت.

نکته دستوری: نیاسودمی : ماضی استمراری (نمی‌آسودم)

راه ندید . چادر بر جای نهاد . بعد از آن ، راه باز یافت.

معنی : راه خروج را پیدا نکرد . چادر را سر جایش گذاشت . بعد از آن ، راه خروج را پیدا کرد.

نکته دستوری: باز یافت : فعل پیشوند ، ماضی ساده

هم چنین تا هفت نوبت.

معنی : به همین شکل این کار را هفت بار تکرار کرد.

معنی کلمات : همچنین : به همین شکل و ترتیب

از گوشه‌ی صومعه آواز درآمد که ای مرد ، خود را رنجه مدار که او چند سال است تا به ما دل سپرده است.

ابلیس ، زهره ندارد که گرد او گردد . دزد را کی زهره‌ی آن بود که گرد چادر او گردد ؟

تو خود را مرتجان ای طرّار ! که اگر یک دوست خفته است دوست دیگر بیدار است .

معنی : از گوشه عبادتگاه صدای بلندی به گوش رسید که ای مرد ، خود را خسته و ناراحت نکن ، زیرا ، او چند سال است که عاشق و شیفته ما است . شیطان ، جرئت ندارد که نزدیک او (مزاحم او) شود . دزد هرگز نمی‌تواند که به او نزدیک شود و آسیب برساند . ای دزد ، تو خودت را آزار نده ، زیرا اگر دوست ما (رابعه) خواب است ، خداوند بیدار است و از او محافظت می‌کند.

معنی کلمات : صومعه : عبادتگاه ، دیر ، محل عبادت / رنجه : ناراحت ، آزرده / ابلیس : شیطان / زهره : جرئت ، شهامت / طرّار : دزد ، راهزن

آرایه‌ها: دل سپردن : کنایه از علاقه‌مند شدن ، عاشق شدن / زهره : مجازاً جرئت (در اصل کیسه‌ی صفر است که به کبد متصل است و مایعی زرد و تلخ در آن است) / (دوست) : در دوست دیگر بیدار است : (استعاره از خدا / خفته و بیدار : تضاد

نکته دستوری: دزد را کی زهر آن بود که گرد او گردد ؟ جمله استفهام انکاری

تاریخ ادبیات:

تذکره الاولیا : از عطار نیشابوری در شرح حال بزرگان عرفا و تصوّف

عطار نیشابوری : قرن ششم و آغاز قرن هفتم هجری / آثار : تذکره الاولیا به نثر و منطق الطیر به شعر



اپلیکیشن درسی همیار

برنامه رایگان درسی همیار



تمام پایه ها

جواب کتاب ، تدریس و نمونه سوال



همیشه رایگان

برنامه همیار کاملا رایگان میباشد